

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی



نورالله وثوق

۳۰/۱/۲۰۰۹

باند اضطراری

زبان ساده

هوادر جـــــهان بینی عشقم
زبان ســـــاده چینی عشقم
سبک فکران شکستم را چه جوید
که من احساس سنگینی عشقم

هوای بهاری

هوا گرچه که تا حدی بهاریست
ولی در برج دل فریاد جاریست
به میدان نگاه من فرود آ
که اینجا باند - باند اضطراریست

گیج زاری

کجا شهری زمام او اجاری است؟
به این پاسخ که را احساس یاری است؟
کجا پیش خریداران بد مست
تمام لحظه هایش گیج زاریست؟

بازی های جاری

دماغ دیـــــده بویای مجاری است
حدود هوش شهـــــر ما اجاری است
میان کـــــوچه دل‌های عاشق
به هر گوشه چه بازی ها که جاری است

شاهان- شجاع؟

مپنـــــداری که در بند نزاع اند
خـــــریدار محبت را متاع اند
به نازیورش بیـــــگانه برگوی
که اینجا جمله شاهان ، "شجاع" اند

فرودگاه فغان

دو چشم من فرودگاه فغان است
صدای شعله ها را میزبان است
مسافرهای نازش ناله و اشک
دلَم خالی ز بوی ارمغان است

نگاه پرپر

دریغـــــا گلشنم از هر دری ماند
اسیر بی سر و بی پیکری ماند
پذیرای بهـــــزار آرزو بود
به دست او نگاه پرپری ماند

هشت جبری

چه پاکوبان به دور دشت جبری
به سر سودایی گلگشت جبری
ازین بازی چه سودی می توان برد
گـــــروگانان دست هشت جبری

اصل و بدل

تمام شب سخن از راه حل بود
سحر همسوی بانگ بی محل بود
به پای زندگی دادم سر او را
سرایا نسخه های او بدل بود

مُدِ قرن

بلندای حـــــقارت را تماشا
به هر سو اوج غارت را تماشا

لباس بردگی بر تن تن ماست
مد قرن اسارت را تماشا
